

بنابراین، دخالت کارشناسانه نامزدهای ریاست جمهوری در موضوع برنامه توسعه نهنتها نباید مورد انتظار باشد؛ بلکه باید از آنان خواست که کارشناسان خود را به عرصه عمومی بیاورند. نکته مهمتر اینکه نامزد ریاست جمهوری حتی در موضوعی که خودش هم تخصص دارد، نباید و نمی تواند دخالت کارشناسانه کند؛ زیرا حضور در صندلی قدرت نافی موقعیت علمی برای اظهارات کارشناسانه است. بنابراین، آقای پزشکیان

ادامه یادداشت سر دبیر

► در دوران سیاستمدارانی که در روز تشییع خودزنی می کنند و فریاد و فغان به آسمان سر می دهند و روز ثبت نام قهقهه مستانه شان ستاد انتخابات را در بر می گیرد؛ پزشکیان بودن دشوار است.

► در دوران سیاستمدارانی که از یک قدمی مرگ بازگشته اند و دوزور بعد با کتاب جیمیم برنامه شان راه پاستور در پیش گرفته اند؛ پزشکیان بودن دشوار است.

► در دوران سیاستمدارانی که روزی در مراسم تنفیذ دست می بوسیدند و امروز سر تا پای نظام را زیر سوال می برند؛ پزشکیان بودن دشوار است.

► در دوران سیاستمدارانی که عمری به نام قانون به این و آن می پریدند و بعد به شبهه دارترین شکل ممکن بر صندلی بلدیة تکیه زدند؛ پزشکیان بودن دشوار است.

► در دوران سیاستمدارانی که چون راه گشوده باشد و رای و فرصت و امکان از آسمان برای شان مهیا باشد و چون کشت دیم بتوانند بذرهای بادآورده را درو کنند و چون راه سخت و دشوار شد و کنشگری سوژه طعن و توهین قرار گرفت، کنار بنشینند و ژست اپوزیسیون بگیرند؛ پزشکیان بودن دشوار است.

آری؛ پزشکیان بودن دشوار است. چون صداقت داشتن دشوار است. چون به رنگ جماعت درنیامدن دشوار است. چون سختی کشیدن در سیاست دشوار است. چون سلامت ماندن دشوار است. چون آتو به هیچ کس و هیچ جا ندان دشوار است. چون در ۱۴۰۳ همچنان پنجاه هفتی ماندن دشوار است. و این است نقطه اشتراک آن مرد انقلابی ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ با این یکی در ۲۲ خرداد ۱۴۰۳.

اصلاح طلبی اگر می خواهد جریانی ریشه دار و با اعتبار بماند، راه آن نه کنار کشیدن در روزگار عسرت است و نه به میدان دودین در زمانه نصرت. راه آن، بر خورد صادقانه

برای پرهیز از اظهارات شبهه علم یا اثبات اینکه اقتصاد را مثل کف دست خود می دانند، به درستی از ورود به جزئیات علمی این موضوع پرهیز کردند و این رفتار از یک سو، نشان دهنده التزام وی به پرهیز از دروغ گویی یا اظهار شبهه علم است و از سوی دیگر واگذاری امر کارشناسی به کارشناس است و این مهمترین اقدامی است که وی باید در طول دوران تبلیغات انتخاباتی و پس از آن انجام دهد.

است. صادقانه در اندیشه. همچنان که در دوم خرداد ۱۳۷۶ بود. نه وعده انقلاب می داد، نه خود را ضدنظام و رهبری می خواند؛ فقط از «فردای بهتر برای ایران اسلامی» می گفت و «قانون گرایی» و بسترسازی برای تقویت «جامعه مدنی». همچنان که میرحسین موسوی هم، حتی پس از انتخابات و بالا گرفتن اعتراضات، هیچ گاه خود را معارض ارزش ها و شعارهای انقلاب معرفی نمی کرد و حتی با جنبش سبز، صرفاً به دنبال احیای انقلاب و رفع ابهامات و افشای تخلفات بود؛ نه انقلاب رنگی به سبک اوکراین و گرجستان. صداقت اصلاح طلبانه آن است که فراتر از همه استصواب ها، حذف ها، حصرها، توقیف ها و گزینش ها در خلوت خود باور کنیم و بدانیم اصلاح طلبی تنها گشودن روزنی است در این روزگار دشوار برای زندگی بهتر. نه آن چنان که تئوری پردازی گفته بود: «در اندیشه انقلابی هستیم و در عمل، اصلاح طلب». خروجی این دیدگاه، تعارض است. ستیز است، در باغ سبز گشایی و راه بیابان نمایی است؛ و فراتر از همه اینها، بی صداقتی اخلاقی است و بی مبنایی سیاسی. اصلاح طلبی صادقانه، مهمترین ویژگی پزشکیان و باورمندان راه اوست. همان ها که در روزهای سخت نیز، پای راهبرد اصلاح طلبی ماندند و از فریاد خیابان و از ناسازی این و آن نهراسیدند. صندوق رانه بیراهه خون شویان که مهمترین ابزار حق گویان و حق خواهان دانستند. امروز نیز، همراهی با پزشکیان و وارد شدن به میدان، مشروط به پذیرش اصلاح طلبی صادقانه است. راهی که در آن، باید همان باشیم که می اندیشیم و همان راهی رویم که درست می پنداریم؛ حتی اگر فرجام آن، شکست در کوتاه مدت باشد. اما خود نزد خود بدانیم که راه را درست رفته ایم. دیگران هم، دیر یا زود خواهند فهمید...

بنابراین، دخالت کارشناسانه نامزدهای ریاست جمهوری در موضوع برنامه توسعه نهنتها نباید مورد انتظار باشد؛ بلکه باید از آنان خواست که کارشناسان خود را به عرصه عمومی بیاورند. نکته مهمتر اینکه نامزد ریاست جمهوری حتی در موضوعی که خودش هم تخصص دارد، نباید و نمی تواند دخالت کارشناسانه کند؛ زیرا حضور در صندلی قدرت نافی موقعیت علمی برای اظهارات کارشناسانه است. بنابراین، آقای پزشکیان

ادامه یادداشت سر دبیر

► در دوران سیاستمدارانی که در روز تشییع خودزنی می کنند و فغان و فغان به آسمان سر می دهند و روز ثبت نام قهقهه مستانه شان ستاد انتخابات را در بر می گیرد؛ پزشکیان بودن دشوار است.

► در دوران سیاستمدارانی که از یک قدمی مرگ بازگشته اند و دوزور بعد با کتاب جیمیم برنامه شان راه پاستور در پیش گرفته اند؛ پزشکیان بودن دشوار است.

► در دوران سیاستمدارانی که روزی در مراسم تنفیذ دست می بوسیدند و امروز سر تا پای نظام را زیر سوال می برند؛ پزشکیان بودن دشوار است.

► در دوران سیاستمدارانی که عمری به نام قانون به این و آن می پریدند و بعد به شبهه دارترین شکل ممکن بر صندلی بلدیة تکیه زدند؛ پزشکیان بودن دشوار است.

► در دوران سیاستمدارانی که چون راه گشوده باشد و رای و فرصت و امکان از آسمان برای شان مهیا باشد و چون کشت دیم بتوانند بذرهای بادآورده را درو کنند و چون راه سخت و دشوار شد و کنشگری سوژه طعن و توهین قرار گرفت، کنار بنشینند و ژست اپوزیسیون بگیرند؛ پزشکیان بودن دشوار است.

آری؛ پزشکیان بودن دشوار است. چون صداقت داشتن دشوار است. چون به رنگ جماعت درنیامدن دشوار است. چون سختی کشیدن در سیاست دشوار است. چون سلامت ماندن دشوار است. چون آتو به هیچ کس و هیچ جا ندان دشوار است. چون در ۱۴۰۳ همچنان پنجاه هفتی ماندن دشوار است. و این است نقطه اشتراک آن مرد انقلابی ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ با این یکی در ۲۲ خرداد ۱۴۰۳.

اصلاح طلبی اگر می خواهد جریانی ریشه دار و با اعتبار بماند، راه آن نه کنار کشیدن در روزگار عسرت است و نه به میدان دودین در زمانه نصرت. راه آن، بر خورد صادقانه

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

با کاندیداتوری **علیرضا زاکانی** اتفاق افتاد:

تیم شهردار در ستاد



پریسا هاشمی

گزارشگر شهری هم‌میهن

روز گذشته دیگر سوالات و تذکرات برخی از اعضای شورای شهر تهران در صحن علنی پارلمان شهری پایتخت طعم و بوی انتخاباتی داشت و شائبه خدمت‌رسانی بیشتر تمام مسئولان در آستانه انتخابات مطرح شد.

علیرضا زاکانی، شهردار تهران کاندیدای ریاست جمهوری شد. این اولین بار نیست که او به‌عنوان کاندیدا وارد گود انتخابات می‌شود. زاکانی در دوره قبل، انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۰ نیز به‌عنوان کاندیدای پوششی حضور پیدا کرد و در نهایت به نفع سیدابراهیم رئیسی انصراف داد و به عقیده برخی از کارشناسان حوزه شهری، شهرداری تهران شد سهم زاکانی از یک قدرت. او در انتخابات زودهنگام دوره چهاردهم ریاست جمهوری نیز ثبت‌نام و به صراحت اعلام کرد که تا آخر می‌ماند و در پاسخ به این سوال که اگر رای نیاورد به شهرداری بازمی‌گردد؟ گفت: «رای می‌آورم.» از ظاهر امر پیداست که زاکانی آنقدر شهرداری را اسکی پرتاب خود به‌سوی پاستور می‌داند که راه بازگشتی برای

لذا دیشب که پزشکیان در صداوسیما ضعیف ظاهر شد، این تحلیل‌گران ناراضی آن را بازگش کردند و گفتند فکر نکند خبری شده است. دوم اینکه اگر کسانی انتظار دارند که پزشکیان با حاکمیت تقابل بکند، روشن است که پزشکیان اهل این کار نیست. چون پزشکیان سی سال است که در باره حساس‌ترین موضوعات کشور مثل رخدادهای ۸۸ و پاییز ۱۴۰۱ صریحاً موضع گرفته، ولی حتی یک دفعه احساسی نشده و با حاکمیت تقابل نکرده است. اگر چه پزشکیان دیشب خیلی بهتر می‌توانست حرفش را بزنند، ولی در همین مصاحبه این را با صراحت و صداقت نشان داد که قرار نیست اگر رای بیآورد با حاکمیت مقابله کند. راهبردی که قابل دفاع است. چون در شرایط فعلی هر کسی رئیس جمهور شود باید بتواند با همکاری حاکمیت و مردمی که رای می‌دهند، مشکلات معیشتی، سیاست خارجی، محیط زیست و بوروکراسی متورم و ناکارآمد را حل کند، نه اینکه بخواهد با تقابل با حاکمیت زمینه انقلابی دیگر را در کشور فراهم کند.»

▼ مرعی: ارجاع به نظرات کارشناسی درست است

سیدحسین مرعی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در گفت‌وگویی که با جماران داشت، درباره مسائل مطرح‌شده از سوی پزشکیان، گفت: «تخصص آقای پزشکیان اقتصاد نیست، یک سیاستمدار است و حرف روشن او در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری، ارجاع به نظرات کارشناس بود که از این جهت به نظر من حرف درستی بود. گفت‌من قرار نیست به کارشناسان جهت بدهم، کارشناسان قرار است به من جهت بدهند. اگر یک رئیس جمهور تسلیم نظرات کارشناسی باشد، کشور در مسیر بهبود قرار می‌گیرد.»

▼ غلامرضا کاشی: خیمه را فرو نماند

محمدجواد غلامرضا کاشی، استاد فلسفه سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی نیز در یادداشتی تلگرافی به تحلیل این مصاحبه تلویزیونی پرداخت: «قطع نظر از آنکه انتخابات این دوره چه نتیجه‌ای داشته‌باشد، مسعود پزشکیان متولی بازسازی گفتمان اصلاحات شد. گفتمان تازه اصلاحات در اولین برنامه تلویزیونی او ظهور پیدا کرد. مشخصات اصلی این گفتار بازسازی‌شده به شرح زیر است: اصلاحات با زبان پزشکیان از سنخ تداوم است نه آغازی تازه. تداوم براساس برنامه‌های کارشناسی‌شده است و مضمون ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه ندارد. تقریباً هیچ‌نشانی از تقابل سیاسی در آن مشاهده نمی‌شود. از همین‌روز نخست، در آشتی



● **غلامرضا کاشی: خیمه را فرو نماند**

محمدجواد غلامرضا کاشی، استاد فلسفه سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی نیز در یادداشتی تلگرافی به تحلیل این مصاحبه تلویزیونی پرداخت: «قطع نظر از آنکه انتخابات این دوره چه نتیجه‌ای داشته‌باشد، مسعود پزشکیان متولی بازسازی گفتمان اصلاحات شد. گفتمان تازه اصلاحات در اولین برنامه تلویزیونی او ظهور پیدا کرد. مشخصات اصلی این گفتار بازسازی‌شده به شرح زیر است: اصلاحات با زبان پزشکیان از سنخ تداوم است نه آغازی تازه. تداوم براساس برنامه‌های کارشناسی‌شده است و مضمون ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه ندارد. تقریباً هیچ‌نشانی از تقابل سیاسی در آن مشاهده نمی‌شود. از همین‌روز نخست، در آشتی



صولت شجاعیان

پژوهشگر حوزه کسب‌وکار و فعال سابق دانشجویی

یکی از موضوعاتی که در گفت‌وگوی ویژه خبری دکتر پزشکیان مورد توجه و بعضاً انتقاد برخی از حامیان و کسانی که این روزها صحبت‌های وی را رصد می‌کنند تا در صورت شرکت در انتخابات به ایشان رای دهند، قرار گرفت، این مسئله بود که وی در خلال این گفت‌وگو اظهار کرد: اما قرار نیست برنامه جدید بوسیم و سیاست جدیدی اجرا کنیم. هر دولتی که بخواهد بیاید باید برنامه‌های مصوب را اجرا کند. قطعاً اولویت ما رفتن به سمت سیاست‌های کلی و مسیریی است که ما را به اهداف برساند.« بسیاری از شهروندان یکی از ضعف‌های اساسی دولت‌ها و مشخصاً دولت مستقر را بی‌برنامگی یا چپ‌بسا ضعف برنامه‌ریزی تصور می‌کنند و بر همین اساس اینطور اظهاراتی را از آقای پزشکیان نیز به طریق اولی به حساب ضعف دولت احتمالی وی می‌گذارند. این در شرایطی است که اساساً مشکل دولت‌ها در ایران به‌بی‌برنامگی یا ضعف برنامه‌ریزی برمی‌گردد، چه معیار برنامه‌ریزی و تدوین برنامه در کشور، دست کم از بعد از انقلاب تاکنون تدوین هفت برنامه توسعه پنج‌ساله است که همه آنها از نقطه‌نظر جامعیت و غنای محتوای بسیار کامل و کم‌نظیر بوده‌اند. اما واقعیت این است که از نقطه‌نظر مدیریت استراتژیک بین «تدوین برنامه» تا «اجاری سازی»

گزارش یک

خود متصور نیست و خود را از حالا رئیس جمهوری ایران در دوره چهاردهم ایران می‌داند و برای معاونان خود در ستاد انتخاباتی حکم زده است. طبق گزارش‌ها لطف‌الله فروزنده (معاون مالی شهرداری) به‌عنوان رئیس ستاد انتخاباتی، امین توکلی‌زاده (معاون اجتماعی) به‌عنوان رئیس ستادهای مردمی، داوود گودرزی به‌عنوان رئیس ستاد هواداران، علی نادعلی به‌عنوان رئیس ستادهای مردمی تهران و مالک شریعتی به‌عنوان سخنگوی ستاد زاکانی انتخاب‌شده‌اند.

▼ تعلل زاکانی در انتخاب جانشین

قانون منعی برای حضور شهردار تهران در انتخابات ریاست جمهوری پیش‌بینی نکرده است. اما شهردار باید الزامات قانونی را رعایت کند و از شهرداری مرخصی گرفته و جانشین خود را در طول انتخابات معرفی کند. زاکانی در کسوت شهردار تهران کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری شد و اعلام کرد که مرخصی می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد برای شهردار تهران سخت است فردی را به‌عنوان جانشین خود انتخاب کرده و برای چند روز به او حق امضا بدهد. محمد آقامیری، عضو شورای شهر تهران در مصاحبه‌ای به صراحت گفت: «ظاهرآ قرار نیست که جانشینی مشخص شود چراکه خودشان اعلام کرده‌اند در تهران هستند و اگر موضوعی باشد که بخواهند پیگیری کنند، کارهای اداری را انجام می‌دهند. همچنین با حوزه ریاست هماهنگ کرده‌اند که کارها از این طریق انجام شود.» تعلل زاکانی

ادامه تیتریک

با ارکان اصلی نظام است. پزشکیان جایگاهی جز اجرای درست برنامه برای خود قائل نیست. هیچ کجا از امکان معجزه در اقتصاد و پیشرفت سخن نگفت و هیچ کجا خود را یک مجری معجزه گر، قدرتمند و توانا جلوه نداد. عقلایت بوروکراتیک با هدف مدیریت عقلانی امور عمومی حاصل کلام او بود. می‌توان از آنچه گفت، یک کلام محوری استخراج کرد و آن هدایت قوه مجریه به سمت یک دستگاه کارآمد است. از اسلام سخن گفت. اما شاید نحو خوانش او از اسلام را بتوان اسلام بوروکراتیک خواند؛ اسلامی که به یک نظم عقلانی بوروکراتیک نیرومی‌بخشد. این مؤلفه‌های گفتگمانی چرخش مهمی در گفتار مآلوف اصلاح‌طلبان محسوب می‌شود. گفتاری که اصلاح‌طلبان از اوایل دهه هفتاد به‌صحنه آوردند، یک خیمه قدرتمند هویت‌گرایانه در کنار یا تقابل با خیمه هویتی نظام مستقر بود. سرافازی دیگر واغایتی متمایز را هدف گرفته‌بود. شاید در رفتار و سیاست‌های عملی اهل مسالمت و گفت‌وگو بود، اما در غایات خود انقلابی و مبشر روز و روزگاری دیگر بود. از انباشت احساسات و هیجان و امید فشرده در سطح عمومی تغذیه می‌کرد و مدعی تحقق فردایی به کل متفاوت بود. پزشکیان خیمه هویت‌گرایانه اصلاحات را فرونشاند. این اتفاق درست در زمانی روی نموده است که خیمه هویت‌گرای رقیب بی‌مشرتی است...»

▼ الگوی انتخاباتی پزشکیان

احمد زیدآبادی، تحلیلگر سیاسی نیز طی یک یادداشت کوتاه تلگرافی به تحلیل الگوی انتخاباتی پزشکیان و تفاوت آن با الگوهای مشابه پرداخت. زیدآبادی نوشت: «الگوی انتخاباتی دکتر مسعود پزشکیان به‌نظم متفاوت از الگوهای تجربه‌شده از سوی اصلاح‌طلبان و اتمدالی‌ها در انتخابات‌های گذشته است. او به‌خصوص قصد تکرار شیوه حسن روحانی را ندارد. رفتار آقای روحانی نوعی مقابله‌جویی پنهان و آشکار با کانون‌های اصلی قدرت تعبیر و تفسیر می‌شد. ظاهرآ آقای پزشکیان آن الگورا شکست‌خورده و ناکارآمدی می‌داند و مسیر خود را از طریق جلب اعتماد و همکاری در سطوح مختلف قدرت دنبال می‌کند. این الگو طبعاً ادبیات مخصوص به خود را دارد و از همین رو، افراد مشتاقی بالاگرفتن منازعه سیاسی بین کاندیدای ریاست جمهوری و دیگر ارکان نظام را مایوس می‌کند. در مجموع، به نظر می‌رسد که نه آقای پزشکیان در پی رای گرفتن از این بخش از شهروندان است و نه چنین شهروندانی با ادبیات مورد استفاده آقای پزشکیان به نفع او پای صندوق رأی حاضر می‌شوند. از این رو، لازم است هر دو طرف انتظار خود را از همدیگر تعدیل کنند و به‌دام طمع خام نینفتند.»



دولت پزشکیان؛ از برنامه تا اجرا، از زمین تا آسمان...

یا اجرای آن، یک چیزی در حد زمین تا آسمان فاصله وجود دارد. یعنی اگر ضرب‌اهمیت تدوین برنامه برای تحقق یک هدف، یک‌دکم باشد، جاری‌سازی آن برای تحقق همان هدف ندهم نیست. از این دیدگاه است که از بین هفت برنامه توسعه تدوین شده در کشور، مثلاً برنامه دوم و سوم در دولت خاتمی به خوبی اجرا گردیده و اثرات بسیار سازنده‌ای در کشور گذاشتند آنطور که هرآنچه از کارنامه خوب دولت اصلاحات در زمینه رشد اقتصادی، کنترل تورم، افزایش درآمد سرانه، بهبود ضرب جینی و... گفته می‌شود به اجرای کم‌نظیر همین برنامه‌ها برمی‌گردد. اتفاقاً دولت خاتمی تا سه سال بعد از به قدرت رسیدن، برنامه دوم توسعه را اجرا می‌کرد که در دولت پیشین تدوین شده بود. در مقابل برخی نیز همانند برنامه چهارم توسط دولت احمدی‌نژاد تا حدود زیادی کنار نهاده شده و اثرات آن‌هم در اواخر دولت دوم وی مشاهده گردید. بر این اساس اظهارات آقای پزشکیان مبنی بر اجرای برنامه‌های مصوب، دقیق و درست است، چون که در شرایط حاضر برنامه توسعه هفتم که در همین دولت و توسط بدنه کارشناسی دولت و عمدتاً در سازمان برنامه و بودجه تدوین و طرح‌ریزی گردیده، از نقطه‌نظر جامعیت و کیفیت کارشناسی از سطح بالایی بر خوردار است، اما واقعیت این است که چنانچه در بالا آمد بحث تدوین یا اجرا بسیار متفاوت است، به‌عنوان نمونه یکی از اهداف مصوب در همین برنامه توسعه هفتم «دست‌یابی به رشد اقتصادی سالانه معادل ۸ درصد» است، ولی چنانچه می‌دانیم نرخ رشد اقتصادی در سه سال اخیر به طور میانگین رقم ناچیزی در «حدود ۲/۲ دهم درصد» بوده است!